

اگر ظهور داستان در فلسطین در مقایسه با ظهور آن در سوریه و لبنان و مصر اندکی دیرتر صورت گرفت، آشنایی با داستان نویسی از اوآن پیدایش این هنر در کشورهای عرب، وجود داشت. دلیلش هم ارتباط خواننده فلسطینی با آثار ادبی نویسندگان عرب در سرزمینهای همسایه بود که داستانهای خود را یا به صورت مستقل یا در مجله‌ها منتشر می‌کردند. به همین سان، اگر فلسطین در اوایل این قرن با مطبوعات آشنا شد، آگاهی فلسطینیها از آثار داستانی سابقه‌اش به مطبوعاتی برمی‌گردد که در اواخر سده گذشته در کشورهای عرب منتشر می‌شد و به داستان نویسی توجه داشت.

وضع فرهنگی در فلسطین موجب شد که داستان نویسی در این سرزمین از عوامل چندی تأثیر پذیرد. این عوامل در تنوع منابع داستان نویسی و آشنایی با مکتبها و جریانهای این هنر تأثیر فراوان داشت. گذشته از داستانهای ترجمه شده‌ای که مستقلاً یا به صورت پاورقی منتشر می‌شدند، فعالیت مدارس میسیونرهای اروپایی موجب شد که روشنفکران فلسطین با آثار داستان نویسان بزرگ، به ویژه داستان نویسان روس، از نزدیک آشنا شوند. مثلا مرکز تربیت معلمی که روسیه تزاری در شهر ناصره برپا کرد در آشنایی تحصیل کرده‌های فلسطین با داستان نویسی اثر بسیار داشت. علاوه بر این، از انتشار فرهنگ آنگلوساکسون، در اثر قیمومت - انگلستان در پی جنگ جهانی اول، و پیدایش عده‌ای روشنفکر آشنا به زبانهای اروپایی نیز باید یاد کرد. به نظر می‌رسد که در آغاز توجه نویسندگان بیشتر به داستانهای ترجمه شده خارجی معطوف بود، تا داستانهای تالیفی. در هر حال، از بررسی آثار داستانی می‌توان سه دیدگاه عمده را تشخیص داد که هر یک به دیدگاههای فرعی دیگری قابل تقسیم است:

الف - دیدگاه متأثر از آثار کلاسیک عرب و پسند توده مردم

این دیدگاه آثار ترجمه شده را نیز در برمی‌گیرد و به دو شکل از آثار خارجی تأثیر می‌پذیرد: یا از خود این آثار یا از کاری که مترجم روی آنها می‌کرده تا با ذوق عامه تطبیقشان دهد. نمایندگان این دیدگاه عبارت بودند از: خلیل بیدس، اسکندر خوری بیتجالی، احمد شاکر کرمی، جمال حسینی، جمیل بحری، قسطنطین ثیودری، انور عرفات و چندین دیگر. گذشته از توانایی متفاوت نویسندگان یاد شده در طرح مسائل در چهارچوب داستانی، موضوعهایی که هر یک از آنان به آن پرداخته‌اند نیز متفاوت بوده است. خلیل بیدس در مجموعه داستانی خویش به نام «چشم اندازهای خیال» کوشید که به موضوعهایی هدممند، مربوط به مسائل اجتماعی بپردازد. این مسائل به جنبه‌های مختلف زندگی مربوط می‌شوند، و زمینه‌های گوناگونی داشتند، از اساطیری و تاریخی گرفته تا فلسفی و اجتماعی و سمبلیک و آموزشی و دینی. داستانهای احمد شاکر کرمی در «کرمیات» جنبه‌های دینی، فلسفی، جدلی و اساطیری داشتند. جمیل بحری در مجموعه داستان خود «الزهره» به، داستان پلیسی رو آورد، چنان که نجیب نصار نیز در داستانهای خود که در مجله «کرمل» منتشر شدند همین شیوه را در پیش گرفت. تنها رمان بیدس - «وارث» - که در سال ۱۹۲۰ منتشر شد، به مسئله‌ای اجتماعی

داستان نویسی در فلسطین

از: دایرة المعارف فلسطین

ترجمه: محمد جواهر کلام



می‌پردازد و آگاهی سیاسی بهنگام نویسنده آن را نشان می‌دهد. داستان، زندگی جوانی را باز می‌گوید که اصلش از يك خانواده اهل حلب مقیم مصر است. او با اینکه با دختر عموی تاجرش عقد نامزدی بسته، به دام يك زن شوهر کرده یهودی می‌افتد که قلبش را تسخیر می‌کند، سپس متوجه دارایی او می‌شود و سعی می‌کند با کمک رباخواران و دلالهای یهودی آن را بالا بکشد. و جوان زمانی بیدار می‌شود که با زن راهی طولانی و فریبنده طی کرده است. داستان در کل به سودهای یهودیان اشاره کرده و موضع نویسنده را در برابر آنان به نمایش می‌گذارد.

از آثار داستانی که برخی ویژگیهای این دیدگاه را نشان می‌دهد، داستان «زندگی پس از مرگ» (۱۹۲۰) اثر اسکندر بیتهجالی است. داستان از اثر جنگ جهانی اول بر اعراب سرزمین شام به طور اعم و فلسطین به طور خاص سخن می‌گوید و به ظلم و جور ترکها در حق آنها اشاره می‌کند. رمان «اسارت پس از آزادی» (۱۹۲۰) اثر قسطنطین تیودری صانع نیز از این دست است. رمان يك داستان اجتماعی است که جنبه عاطفی بر آن غلبه دارد؛ سنتهای ازدواج، به ویژه مجبور کردن دختر به ازدواج با مرد غیردلخواه را به باد انتقاد می‌گیرد و از طریق پاره‌ای از شخصیت‌های داستان، بر برخی مسایل فکری، اجتماعی و سیاسی انگشت می‌گذارد. رمان «روی خط آهن حجاز» اثر جمال حسینی مانند داستانهایی که پیش از آن نوشته شده‌اند، از هدفهای آموزشی و اصلاح طلبانه سخن می‌گوید، وحدت ملی و پرهیز از اختلافات فرقه‌ای در برابر صهیونیسم و استعمار را تبلیغ می‌کند و سرنوشت سپاه فروشنده اراضی روستای «سته» به یهودیان را نشان می‌دهد. رمان جمال حسینی به نام «چلچراغ» در بررسی مسئله فلسطین و توطئه‌های استعماری و صهیونیستی علیه آن، و نیز در تصویر توطئه‌های اعیان محلی و طرز فکر آنان دایر بر سازش با دشمنان برای گذران امور، اثری عمیق تر دارد. این داستان توانست نقش مهمی در آگاهی میهن پرستان بازی کند.

همه این داستانها نشان می‌دهند که نویسندگانشان در شخصیت پردازی و ساختمان داستانهای خود از عناصری چون فرهنگ توده و داستانهای خیالی خارجی مدد گرفته‌اند، چون در آنها همان ویژگیهایی به چشم می‌خورد که در داستانهای عربی در اوان پیدایش آنها در مصر و سرزمین شام، از نظر دوگانگی آرمانی در شخصیت سازی و ماجراجویی قهرمانان و آوردن مثالهای شعری وجود داشت.

ب - دیدگاه ذهنی و خیالی

در این دیدگاه نمونه‌های متعددی جا گرفته‌اند که از يك طرف از دیدگاه اول، یعنی دیدگاه متأثر از آثار کلاسیک عرب و ذوق توده و داستانهای خیالی عربی متأثر است و از طرف دیگر از دیدگاه سوم، یعنی دیدگاه واقعگرا، همراه با تنوع در اشکال تجربی که تا حدود زیادی محتوا را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

از داستانهای این دیدگاه، داستانی که شاید بیش از همه به دیدگاه اول نزدیک باشد، رمان «امید» از حسن بحیری، شاعر فلسطینی و رمان «بر تخت» (۱۹۴۶) اثر محمد عدنانی است. این رمانها اگر چه مسائلی شخصی نویسندگان خویش را بازمی‌گویند، الزاماً دغدغه‌های اعراب فلسطین را نیز نشان می‌دهند. داستان اول از زندگی جوان

زحمتکشی سخن می‌گوید و وضع او را در جامعه‌ای اسیر جنگال استعمار و استثمار تصویر می‌کند. در این رمان، حوادث شکلی فاجعه آمیز دارد. داستان دوم، گوشه‌ای از زندگی قهرمان را نشان می‌دهد و به تفصیل به بیماری و خیمش می‌پردازد تا به این وسیله خواننده را وارد همراه با قهرمان داستان درد بکشد و بیم و امید او را حس کند. این داستان از نظر حوادث پایان خوشی دارد.

پیدا است که این دوران سعی کرده اند دغدغه‌های عرب فلسطینی را که پی برده بود طرحهای استعماری و صهیونیستی، به اشکال گوناگون قصد گرفتن میهن او را دارند، نشان دهد، جسارتی که نویسنده داستان سوم در پرداخت موضوع به خرج داده و بینش ملی بیدارگرانه‌ای که در کار کرده، صفت برجسته‌ای به داستان وی بخشیده است.

به نظر می‌رسد که داستان کوتاه از لحاظ شکل تکاملی از رمان در دهه سی و چهل اهمیت کمتری نداشته باشد. چه توانست به دست نویسنده‌ای مانند خلیل بیدس و شاگردان و همکارانش چون نجاتی صدقی، محمود سیف‌الدین ایرانی، عبدالحمید یاسین، محمد ادیب عامری و دیگران به خوبی در مسیر تکامل خود بیفتد. نخست دیدگاه خیالی بر آن غلبه داشت و در مسیرهای رومانتیک سیر می‌کرد. مجموعه داستان «قدم اول» اثر محمود سیف‌الدین ایرانی که سال ۱۹۳۷ در یافا منتشر شد همین حالت را داشت.

این نویسنده، در مجموعه داستانهای دیگر خود همچنان از دیدگاه خیالی متأثر بود و توانست دید واقعگرایانه خود را در کار هنری پیاده کند، این سخن در مورد مجموعه «ده داستان کوتاه» اثر عبدالحمید یاسین که در سال ۱۹۵۹ منتشر شد نیز صادق است، زیرا رومانتیسم بر آن غلبه دارد. دیدگاه خیالی در مجموعه‌های زیر نیز تجلی یافته است: «کفر» (۱۹۵۲)، «پرتو روشنائی و داستانهای دیگر» (۱۹۵۳)، از محمد ادیب عامری، «پامرد» (۱۹۵۵) از محمود سیف‌الدین ایرانی، «سایه بزرگ» (۱۹۵۶) و «داستانهای دیگر» (۱۹۶۰) اثر سمیره عزام، «خورشید دمیده» (۱۹۶۰) از یوسف جادالحق، «چه بهای ناچیزی» (۱۹۶۲) از محمود سیف‌الدین ایرانی، «دانه پرتقال» (۱۹۶۲) از احمد عنانی، «سرزمین غمزه پرتقال» (۱۹۶۳) از غسان کنفانی، «شب کی به پایان می‌رسد» از ایرانی، «جهانی نه از آن ما» (۱۹۶۳) از غسان کنفانی و «ساعت و انسان» (۱۹۶۳) از سمیره عزام.

اگر این داستانها در پرداختن به زندگی بینوایان و زحمتکشان از سراحساسات ذهنی و سوزناک نوشته شده‌اند، اثر شکست احساسات تلخ تری آفرید، در نتیجه شخصیت در داستانهای جایش را به تصویر شخصیتی يك بعدی داد که بعدی آرمانگرا بود. این چیزی است که در داستانهای مجموعه «نان قربانی» اثر سمیره عزام، «خورشید دمیده»، «دانه پرتقال» بازتاب یافته است. نویسنده مجموعه اخیر دو داستان کوتاه خود «دانه پرتقال» به توصیف زندگی خانواده‌ای فلسطینی می‌پردازد که پس از عمری زندگی آسوده و بی‌دغدغه، با درد و ناگامی و بینوایی جانگداه آشنا می‌شود. مادر بزرگ خانواده بعد از این که پرتقال را به تعداد فراوان میان فرزندان خود قسمت می‌کرد به جایی رسید که دید بچه‌هایش دارند بر سر دانه پرتقالی با هم دعوا می‌کنند. این ترجیع بند «بی‌پناهی» و

«بینوایی» عرب فلسطینی در پاره‌ای از داستانهای «سرزمین غمزه پرتقال» و «جهانی نه از آن ما» و «ساعت و انسان» نیز تکرار می‌شود. با اینکه برخی از این مجموعه داستانهای کوشیده‌اند به موضوعهای واقعگرایانه‌ای مربوط به مسئله بنیادی «فلسطین» بپردازند و از پاره‌ای مسائل دیگر، چون کودکی، وضع زنان و زحمتکشان و اختلافات درون خلقی - که ذهن پاره‌ای از روشنفکران را به خود مشغول داشته بود - غافل نشوند، ولی شیوه برخوردشان با مسایل مقهور ذهنیت و گرایش به شیوه‌های رومانتیسم و خیالپردازی بود.

اثر سمیلیک اسحق حسینی به نام «خاطرات يك مرغ» که در سال ۱۹۴۲ منتشر شد نیز در زمره آثار ذهنی به شمار می‌آید. زیرا نویسنده، دید آرمانگرایانه‌اش را بر شخصیتها و حوادث داستان تحمیل کرده است. اگر اندیشه میهن دوستی همچنان ذهن نویسندگان را مشغول می‌کرد، خاطرات يك مرغ، به شیوه‌ای سمبلیک و نه دور از فهم، خطرهایی را که متوجه میهن بود در برابر دیدگان خواننده گذاشت، دوستی و میهن دوستی و همکاری و وفاداری و فداکاری را تبلیغ کرد و بر شیوه‌های استعمار که تفرقه و اختلاف را دامن می‌زد حمله نمود.

ج - دیدگاه واقعگرا

این دیدگاه میان رومانتیسم و واقعگرایی منسجم در نوسان است. اگر کشیدن خط فارقی میان مفاهیم گوناگون هنری امر ممکن نباشد، ولی از خلال غلبه این مفهوم بر دیگری می‌توان بدانه‌ها اشاره کرد.

با تولد این دیدگاه، قصه نویسی در فلسطین از لحاظ هنری تکامل بیشتری یافت. حالت تجربه‌های نخست از آن رخت بر بست و گنگی و ناآزودگی آن از بین رفت. نویسندگان در شخصیت‌های خود تعمق بیشتری کردند و عناصر هنری گوناگون را در خدمت ساختمانی منسجم به کار گرفتند. همچنین به تدریج توانستند در زمینه دید هنری تجربیاتی کسب کنند. تصور آنها از جهان پیرامون، قالب مشخصی گرفت و تجربه‌های فردی آنان در آثار هنری پیشرفته‌ای تبلور یافت، به این معنی که آن سنگینی حماسه رومانتیسم که در آثار داستانی دهه چهل و پنجاه دیده می‌شد در آثارشان کاهش یافت. در مجموعه‌های «از پرتو واقیقت» (۱۹۵۲) از امین فارس ملحس و «خواهران اندوهگین» از نجات صدقی و «کمونیست میلیونر» ایضا از همو (۱۹۳۶)، نمودهای واقعگرایی به خوبی پیدا است. داستان «شش روز» نوشته حلیم برکات، نویسنده سوری الاصل، نمونه روشنی است که غلبه اندیشه‌اگرستانسالیستی بر نویسنده آن را نشان می‌دهد. داستان با پرداختن به موضوعی واقعی که به جنبه فرهنگی نزاع اعراب و دشمنانشان مربوط می‌شد، «فردیت» را به روشنی در معرض دید نهاد و برای نقل مفاهیم خود از سمیل سازی و شیوه‌های تجربی بهره فراوان برد. رمان جبرا ابراهیم جبرا «شکارچیان در گذرگاه تنگ» که در سال ۱۹۶۰ به انگلیسی منتشر شد، کمتر شیوه‌های تجربی را به کار گرفت و در بررسی مشکلات اساسی شهروند عرب به طور اعم و فلسطینی به طور اخص وضوح بیشتری داشت. داستان، دغدغه‌های يك روشنفکر فلسطینی را در تبعیدگاهش در يك کشور عربی دوست بازمی‌گوید تا به این گونه پیوند میان قضیه فلسطین و سرزمینهای

عرب را نشان دهد و در پایان به طرح موضوع رابطه ارگانیک قضیه فلسطین و مسائل ناشی از توسعه در کشورهای عربی، برسد، نخستین رمان جبراً تحت عنوان «فریاد در شش بلند» که در تابستان ۱۹۶۴ نوشته شد و در سال ۱۹۵۵ منتشر گردید، مسئله تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و روانی میان طبقات پایین جامعه را که نان خویش را به دشواری در می‌آورند، و زمینداران را که با نشخوار گذشته خود زندگی می‌کنند و از پذیرفتن حقایق زندگی سر باز می‌زنند، پیش می‌کشد. غسان کفانی نخستین رمان خود را «مردان در آفتاب» در سال ۱۹۶۳ نوشت و با نوشتن آن، در آفتاب جنبه‌های منفی اعراب و گریز آنان از برابر مسائل مختلف جامعه زیر ستم فلسطین، سند هنری درخشانی ارائه داد. این اثر توانست در یک چهارچوب هنری سبب‌یافته، پرسش‌های سیاسی با اهمیتی را برانگیزد و خوانندگان را وادارد که با بوخیزران رانده، یا به تعبیری رهبر شکست خورده، همصدا گردند و پیوسته بپرسند: «چرا بر جدار مخزن نکوبیدند؟» از آن پس، آثار غسان کفانی رنگی به خود گرفتند که در تبیین هنری مسئله فلسطین، به ویژه جنبه‌های عام انسانی آن، اهمیت اساسی داشت. رمان دومش، «آنچه برایتان مانده است» که یک سال پس از اعلام انقلاب فلسطین (۱۹۶۶) منتشر شد، سند هنری دیگری بود که جنبه دیگری از مسئله فلسطین را نشان می‌داد و آن اجتناب ناپذیر بودن مواجهه فلسطینیان و اسرائیلیان بود. در این رمان، آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کرد، هماهنگی نگرش ژرف به مسئله فلسطین و چهارچوب هنری رمان است. پیروزی حامد بر سر باز صهیونیست، در مصافی که به وی تحمیل شد، لحظه روشنگرانه بی نظیری در ادبیات این دوره است. زیرا در حالی که در «مردان در آفتاب» سه مرد فلسطینی در خاموشی دردناکی درون مخزن از یاد می‌آیند، در رمان دوم، سر باز صهیونیست بر اثر تشنگی هلاک می‌شود و این صحنه از لحاظ هنری لحظه درخشانی در رمان است.

غسان کفانی در سال ۱۹۶۵ مجموعه داستان خود را به نام «از مردها و فننگها» با الهام از اندیشه تن دادن به خطر و مبارزه مسلحانه نوشت. رمانش «بازگشت به حیفا» که در سال ۱۹۶۸ منتشر شد، از ضرورت رویارویی فلسطینی و اسرائیلی برای رسیدن به حقوق خویش با توجه به رابطه‌ای که میان فلسطینیان به وجود آمده است - چه فلسطینیهای ۱۹۴۸ و چه فلسطینیهای ساکن کشورهای عربی سخن می‌گوید. داستانهای غسان کفانی مسئله فلسطین را در چارچوبی واقع‌گرایانه و از زاویه‌های گوناگون بررسی می‌کنند و از مسئله تحلیلی واقعی، متکی به پشتوانه‌ای هنری ارائه می‌دهند. نمونه‌اش، توصیف رابطه خاک و فلسطینیها در رمان بازگشت به حیفاست. که در آن، نویسنده، قهرمان فلسطینی را رو به روی کسی می‌گذارد که خانه‌اش را صاحب کرده است. بدین سان ذهنیت عرب فلسطینی و شهروند یهودی و تربیت و طرز فکر آن دو را می‌شکافد.

شکست اعراب در جنگ ژوئن ۶۷ داستان نویسان فلسطین را به نوشتن آثار داستانی فراوانی برانگیخت. امین سنار، که از این شکست سهمگین بسیار متأثر بود، در رمان خود «کابوس» سعی می‌کرد راه حل مسالمت آمیزی برای آن بیابد. نویسنده بلاغت و موعظه را کنار نهاده بود و به سبیل سازی رو آورده بود تا بتواند هر چه را می‌خواهد بگوید.

نویسنده دیگر فلسطین، امیل حبیبی در رمانش «شش پاره از حوادث شش روز» که در سال ۱۹۶۷ دست به انتشار آن زد، کوشید که مسئله فلسطین را در

شرایط و اوضاع گوناگون بررسی کند. نویسنده رمان را در شش تابلو، یا شش داستان کوتاه، هر یک را با یک عنوان، نوشت که همه آنها را فضای فلسطین در روز پنجم ژوئن به هم پیوند می‌داد. داستان، آثار روز پنجم ژوئن را بر اعراب منطقه اشغال شده توصیف می‌کرد. به همین دلیل نمونه اصیل و تکامل یافته ادب نوپای مقاومت شمرده می‌شود.

داستان «ام سعد» اثر غسان کفانی از واقعیت جدید جامعه فلسطین که عرب فلسطینی را واداشته بود خود شخصاً به مقابله با دشمن برخیزد، سخن می‌گفت. و این دوره‌ای بود که عرب فلسطینی در آن، تازه داشت به فرقی که میان خودش به عنوان «پناهنده» و «مبارز» وجود داشت پی می‌برد. می‌بایست یکی از این دورا برگزیند و او راه مبارزه را انتخاب کرد و به چریکها پیوست، زیرا چنانکه داستان می‌گفت، این تنها راه رهایی بود. غسان همه این مفاهیم را در قالب شخصیت ام سعد تجسم بخشید. ام سعد زنی بود نمونه زنان فلسطینی که هم شخصیتی خاص بود و هم شخصیتی عام. او که در یکی از اردوگاههای جنوب لبنان زندگی می‌کرد، زنی است مبارز، در حوادث شرکت می‌کند و در ساختن و جهت دادن به آنها نقش دارد.

غسان پیش از اینکه کشته شود، طرح سه رمان را ریخت: «عاشق»، «کور و کر» و «آلوی آوریل». در رمان نخست، به فلسطینی متردنی که قبل از سال ۱۹۴۸ بر مقامات قیمومت انگلیسی و صهیونیستها می‌شورد، پرداخته است. در رمان دوم، می‌کوشد که شخصیت فلسطینی آواره و پناهنده پس از سال ۱۹۴۸ را با همه ابعاد منفی و مثبتش ترسیم کند. در رمان سوم، سعی کرده است شخصیت عرب فلسطینی در بعد از سال ۱۹۶۷ را که مهمترین خصوصیت آن به مبارزه طلبیدن دشمن و مقاومت در برابر اوست، مجسم سازد. این «تریلوزی» بر آن بود که مسئله فلسطین را از خلال یک رشته حوادث واقعی و موثر در شخصیت عرب فلسطینی - حوادثی که در شخصیت وی آثار منفی و مثبت برجای گذاشته - بررسی کند. نویسنده می‌کوشد مقاومت اصلی را که در وجود هر فلسطینی نهفته است نشان دهد؛ مقاومتی که بر اثر شرایط مفهومی کننده پیوسته متراکم تر می‌شود تا هر بار به صورتی نیرومندتر و سهمگین تر رخ بنماید.

در سال ۱۹۷۰، جبرا ابراهیم جبرا در رمانش «کشتی» به شکلی همه جانبه به مسئله فلسطین پرداخت. ودیع عساف، قهرمان رمان، همه خصوصیات یک شخصیت واقعی و کمال یافته را در خود دارد. نویسنده از طریق او، فضای طبقه بورژوازی عرب و بیم و امید این طبقه را ترسیم می‌کند و از ویژگیهای بورژوازی فلسطینی، فرهنگ و ثروت و تمدن و چشم اندازهای آن، گذشته و آینده‌اش تصویر جاندارانه به دست می‌دهد.

در سال ۱۹۷۸ جبرا ابراهیم جبرا رمان دیگری به نام «در جست و جوی ولید مسعود» نوشت که در هنر داستان نویسی فلسطین و در میان آثار این نویسنده به خصوص، نقطه عطفی به شمار می‌آید. پس از انتشار این رمان، شماری از شخصیت‌های ادبی فلسطین و کشورهای عرب دست به تحلیل آن زدند و آن را مورد بررسی قرار دادند. قهرمان رمان، سرانجام مخفی شدن را چون تنها راه برمی‌گزیند. این «پنهان شدن» چه بسا به ضرورتی اشاره می‌کند که فحواش رها کردن جدلهای فلسفی منفی و گزینش راه پیکار مسلحانه به شکل درست آن است.

گروهی از نویسندگان که نوشتن را در سالهای دهه شصت آغاز کرده بودند، توانستند با الهام از

رومانتیسیم، داستانهای موفق بنویسند اینها عبارتند از: نواف ابوالهیجا، توفیق فیاض، یحیی یخلف، صبحی شحروری، محمد خطیب، فایز محمود، محمود شقیر، خلیل سواحری، نمر سرحان، رشاد ابوشاور و ولید رباح. اما چندی نگذشت که در آثار پاره‌ای از آنان خصوصیات ظاهر شد که نشان می‌داد صاحبانشان این مرحله رمانتیکی را پشت سر گذاشته‌اند و دید واقع‌گرایی نسبت به محیط خود یافته‌اند. رمان «آلودگان» که در سال ۱۹۶۴ منتشر شد، بررسی یک رابطه عاشقانه میان دو جوان بود که به جدایی منتهی می‌شد. رمان نواف ابوالهیجا «رانده شده» (۱۹۶۶) تصویری بود از زندگی یک جوان پناهنده مکانیک که عاشق زنی از طبقات مرفه شد و رابطه‌اش با این زن برایش رابطه‌ای رویایی بود. رشاد ابوشاور در رمانش «گریه بر سینه معشوق» (۱۹۷۴) توانسته بود به مسائلی واقعی بپردازد؛ اشتباهات جنبش مقاومت فلسطین و جنبه‌های منفی بعد از سال ۱۹۷۰ آن را به باد انتقاد می‌گیرد. وی کوشید بالحنی تیز و درخشان معایب و انفعال برخی از رهبران این جنبش را مجسم سازد. رمان دیگرش «عاشقان» (۱۹۷۷) از هر جهت از آثار دیگرش درخشان تر است، زیرا در آن سعی کرده بود بدون هیجان یا ترس به مسئله فلسطین نفوذ کند. حوادث این رمان در اردوگاه پناهندگان در شهر اریحا و پاره‌ای از مناطق کرانه باختری می‌گذرد؛ چند ماه پیش از شکست ژوئن ۱۹۶۷ آغاز می‌شود و تا چند روز پس از شکست و اشغال کامل فلسطین توسط صهیونیستها ادامه می‌یابد. قهرمان داستان، معلمی است از آوارگان سال ۱۹۴۸ که به رغم شرایط اندوهبار پیرامون به جنبش چریکی فلسطین می‌پیوندد. هنگامی که کرانه باختری به اشغال در می‌آید، سیمای معلم در داستان همچون یک چریک راستین جلوه گر می‌شود، چریکی که با تمام درد و رنج و آگاهی و تجربه‌اش از بطن خلق زائیده شده است، در جامعه‌ای فاجعه آمیز جوانه زده و بالیده و اینک انسانی شد که جانش با مسئله‌اش در آمیخته و با آن زندگی آگاهانه دارد.

نویسنده دیگر فلسطینی، توفیق فیاض توانست در شیوه بیانی خود تحولی به وجود آورد. او در سال ۱۹۷۴ رمان مستندش «گروه ۷۷۸» را منتشر ساخت. رمان، شرح ماجرای واقعی گروهی فدایی فلسطینی است که درون اراضی اشغال شده سرگرم مبارزه‌اند و نویسنده از مبارزه آنها گزارشی مستند ارائه می‌دهد: «این رمان گزارشی است از نخستین و مهم‌ترین گروه فدایی منطقه اشغالی که نویسنده از دهان قهرمانان این گروه در زندانها شنیده است.» اعضای گروه، دریانوردانی هستند که اشغال، آنها را از یاد آورده و بدانجا کشانده که نومیادی خود را با میخوارگی چاره کنند. گروه نشانهای هستند از عربهای ۱۹۴۸ که سرانجام از اینکه عربهای دیگر نجاتشان دهند یکسره نومید شده‌اند و احساس می‌کنند که اندک اندک دارند تجزیه می‌شوند و از یادها می‌روند، تا اینکه پس از پیدایش جنبش مقاومت فلسطین در سال ۱۹۶۵ بدان می‌پیوندند. آنها پس از پیوستن به جنبش مقاومت، توانستند دست به عملیات جسورانه چندین بیازند، تا اینکه جاسوسان اسرائیلی بر اثر رقابتی که میان

سازمانهای مختلف فلسطینی بر سر منسوب کردن پیروزیهای گروه به خود، در گرفته بود به راز آنها پی می برند و دستگیرشان می کنند. از آن پس، توفیق قیاض همچنان با واقعگرایی با مسئله فلسطین برخورد داشت و آن را در آثار دیگرش «خیابان زرد» و «بهلول» (دو مجموعه داستان) و رمان «عشق من میلیشیا» نشان داد.

نوّاف ابوالهیجا نیز از آن دسته داستان نویسان فلسطین است که در سالهای دهه هفتاد شکل گرفتند. او در کتابهای خود «گذرگاه های روشن به اندوه عرب فلسطینی» (۱۹۷۱) و «برسر کوفتن» (۱۹۷۴) و «اگر امشب تنها بودم» (۱۹۷۸)، به شکلی از شیوه های تجربی بهره برد. از لحاظ شخصیت سازی می کوشد شخصیت های خود را با پیوند عضوی و عاطفی موثر به زمین (خاک) پیوند دهد.

داستان نویسی دیگر فلسطین، امیل حبیبی در رمانش «حوادث گنج کننده در غیب شدن سعید ابونحسن خوشبیدین» (۱۹۷۴) توانست با سبکی واقعگرا و سمبولیک به مسئله فلسطین بپردازد. در این رمان، شخصیت عرب فلسطینی در شکل واقعی خویش، بدون آرایه و پیرایه، تصویر شده و به قالب انسانی خویش بسیار نزدیک است. چنانکه از عنوان رمان بر می آید، هم خوش بینی و هم بدبینی را در خود دارد، هم نرمش با قدرت و شاید هم اطاعت ظاهری از آن، و هم وفاداری به میهن در داخل. داستان، تصویر انسانی است که شرایط او را بر آن می دارد با نظامی که بر خاکش مسلط است، رفتاری دوگانه پیشه کند؛ رفتاری که گاه از سر حکمت و نرمش است و گاه اطاعت اجباری است. بدین سان، این رمان توانست پرداخت سیاسی سیمای انسانی را با موفقیت به انجام رساند و راز توجه فراوان ناقدان و پژوهندگان به آن شاید در این نکته باشد. نکته ای که آنان را واداشت در ستایش آن فراوان بنویسند و ویژگیهای آن را تحلیل کنند. می توان گفت که این رمان در تاریخ داستان نویسی عرب به طور کلی نمونه ای منحصر به فرد است.

داستان نویسان فلسطینی، چه آنها که پیش از این آثاری منتشر کرده اند و چه جوانانی که برای اولین بار آثاری منتشر می کنند، همچنان در پی انتشار آثار خود هستند.

در دهه پنجاه و شصت نویسندگانی که پیش از این آثاری منتشر کرده بودند، آثار دیگری منتشر کردند. مثلا نبیل خوری سه رمان منتشر کرد: «چراغ آبی» (۱۹۵۹)، «رقص بر شیشه» (۱۹۵۸)، «کوچه ترسایان» (۱۹۶۹). از نجوی قعوار چهار مجموعه داستان به نام «دیدار» (۱۹۷۳)، «چراغهای گذرگاه» و «بیمانی از قدس» (۱۹۷۸) و «بهار برای کیست؟» (۱۹۶۳)، منتشر شد. سلوی بنا در سال ۱۹۷۲ دو رمان به نام «عروسی کنار رودخانه» و «بازگشت از دور دست» و در سال ۱۹۷۴ یک مجموعه داستان به نام «چهره دیگر» منتشر کرد. همچنین، سحر خلیفه در سال ۱۹۷۶ رمان «دیگر کنیزکان شما نیستیم» و در سال ۱۹۷۶ رمان «سنگ صبور» را انتشار داد. رشاد ابوشاور نیز علاوه بر آثار پیشین، در سال ۱۹۷۰، مجموعه داستان «یادروزهای گذشته»، در سال ۱۹۷۴

«خانه ای سبز با سقفی طلایی»، در سال ۱۹۷۵ «درختها در کتابها نمی رویند» و در سال ۱۹۷۷ «اسب صحرا» را منتشر کرد.

در همین سالها بود که رمان «سالهای رنج» اثر هارون هاشم رشید، و مجموعه داستانهای «تکتوازی بر سطح خیمه»، «تصویرهایی بر دیوار سلول» (۱۹۷۴) و «شیطان اردوگاه» (۱۹۷۷) منتشر شدند. از یحیی یخلف، در سال ۱۹۷۷ رمانی به نام «نجران زیر صفر» منتشر گردید. این نویسنده پیش از این در سال ۱۹۷۵ دو مجموعه داستان به نام «کسی که سفر نمی کند» و «کره اسب» منتشر ساخته بود.

در سال ۱۹۷۵، محمود شقیر مجموعه داستانی به نام «نان دیگران» و در سال ۱۹۷۷ مجموعه دیگری به نام «پسرک فلسطینی» انتشار داد. در سال ۱۹۷۵ از خلیل سواحری مجموعه داستان «قهوه خانه با شوره» و در سال ۱۹۷۲ از امتثال جویدی رمان «درخت سبز» منتشر شد.

علاوه بر این، از نویسندگانی که در دهه شصت و هفتاد مجموعه داستان یا رمانهای خود را منتشر کردند نیز باید یاد کرد. گروهی از این نویسندگان عبارتند از نمرسحان، یوسف ضمیره، ابراهیم عیسی، زکی عیله، احمد عوده، صالح ابواصبع، افنان قاسم، توفیق مبیض، عبدالله دنان، مفید نحلته و ولید ابوبکر.

در دهه هفتاد نویسندگان فلسطینی تحت تأثیر نویسندگان نسل پیش از خود که نخست با ادبیات جهان آشنا شدند و راه را برای نویسندگان بعد از خود باز کردند، به بررسی مسائلی عینی تر رو آوردند. این امر آنان را بر آن داشت که از تجربه های تازه ای که از دهه پنجاه در اروپا رو به ظهور نهاده بود، برخوردار گردند.

با تأمل در موضوعهای اساسی مطرح شده در داستانهای فلسطینی می توان دریافت که این

موضوعها با هزاران رشته، همه به «مسئله فلسطین» مربوط می شوند. از این رو، نویسنده فلسطینی در بیشتر موارد نمی توانست بر مسایل درونی خویش چنان فائق آید که نگذارد ذهنیت به موضوع اصلی راه یابد. با این همه، این ذهنیت چندان خوب و قوی بود که نه تنها موضوع اصلی را تحت الشعاع قرار نداد بلکه مایه و خونی برای باروری و تجلی راستین آن شد.

همچنین کسی که در داستان نویسی فلسطین از نظر کمی تأمل کرده باشد، می بیند که داستان در دهه های اخیر آشکارا گسترش فراوانی یافته است، زیرا بسیاری از نویسندگان جوان در بیشتر نقاط فلسطینی نشین به نوشتن آن رو آورده اند. حتی پاره ای از نویسندگان که در زمینه دیگری کار می کنند به نوشتن داستان دست زده و آثاری پدید آورده اند، که از جمله آنها می توان از شاعران برادران هارون و علی هاشم رشید، امین شنار، معین بسیسو، عزالدین مناصره نام برد.

● فصلی از یک کتاب: برگرفته از «نگاهی به داستان معاصر عرب» ترجمه محمدجواهر کلام

منابع:

- ناصرالدین الأسد: خلیل بیس رائدالقصه العربیه الحدیثه فی فلسطین، القا: ۱۹۶۲.
- عبدالکریم الأشتر: دراسات فی ادب النکبة، دمشق ۱۹۷۵.
- ابراهیم السعافین: الروایة فی فلسطین فی عهد الانتداب، عمان ۱۹۸۰.
- واصف ابوالشباب: صورة الفلسطینی فی القصة الفلستینیة المعاصرة، بیروت ۱۹۷۹.
- صالح ابواصبع: فلسطین فی الروایة العربیه، بیروت ۱۹۷۵.
- عبدالرحمن باغی: حیاة الأدب الفلستینی الحدیث حتی النکبة، بیروت ۱۹۶۸.
- هاشم باغی: القصة القصيرة فی فلسطین والأردن، القا: ۱۹۶۶.
- أحمد أبو مطر: الروایة فی الأدب الفلستینی، بغداد ۱۹۸۰.
- یغوب العودات: من اعلام الفکر والأدب فی فلسطین، عمان ۱۹۷۶.

